info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۵۴
دوشنبه / ۱۵ اردیبهشت / ۱۴۰۴
۷ / ذوالقعده / ۱۴۴۶
05 / May / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ناهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان سمعی
نگاه گستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸ - ۳۲۵۳۴۲۴۳ - ۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۱۸۰
چاپ: کارگر

برش

مهارت به‌جای مدرک

همیشه درباره نسل موسوم به نسل Z گفته‌هایی وجود دارد که سعی می‌کند ذهنیت ما را به این سمت و سو ببرد که این نسل چندان در قید آداب معمول نیست و تنبل است و آرامی برای انجام درست کارها ندارد! در ایران هم این ذهنیت چنین پیش می‌رود که این گونه القا کنند این نسل، نسلی بی‌قید است و اساسا حوصله ندارد!

به گزارش پیام آشنا به نقل از جاجرم آنلاین، اما نظرسنجی‌ها و پژوهش‌های مختلفی وجود دارد که خط بطلانی بر چنین تئوری‌هایی می‌زند. هر چند از تفاوت‌های آشکار این نسل با نسل‌های پیشین هم نمی‌شود گذشت که به نظر بدیهی می‌رسد، چرا که نسل‌های گذشته هم با پیشینیان خود تفاوت‌های آشکاری داشته‌اند. گزارشی تازه منتشرشده به بررسی روند رو به رشد نسل Z در انتخاب مشاغل فنی و حرفه‌ای به جای تحصیل در دانشگاه‌های چهارساله می‌پردازد.

دلایل اصلی انتخاب مشاغل فنی

سؤال این است که این نسل چرا تصمیم گرفته بی‌خیال دانشگاه شود؟ یکی از اولین دلایل، مربوط به افزایش هزینه‌های تحصیل دانشگاهی است. به‌عنوان مثال در آمریکا هزینه‌های تحصیل در دانشگاه‌های چهارساله به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. طبق داده‌های موجود هزینه سالانه تحصیل در دانشگاه‌های دولتی در ۲۰ سال گذشته ۱۴۰ درصد و در دانشگاه‌های خصوصی ۱۱۰ درصد رشد کرده است. به‌عنوان مثال، هزینه کل یک مدرک چهارساله ممکن است به بیش از ۲۰۰ هزار یورو برسد. این افزایش هزینه‌ها باعث شده بسیاری از جوانان این نسل ارزش واقعی مدرک دانشگاهی را زیر سؤال ببرند، به‌ویژه زمانی که با بدهی‌های سنگین دانشجویی همراه است.

ورود سریع‌تر به بازار کار

مشاغل فنی و حرفه‌ای مانند جوشکاری، لوله‌کشی، تجاری و محوطه‌سازی امکان ورود سریع‌تر به بازار کار را فراهم می‌کنند. دوره‌های آموزشی این مشاغل معمولاً کوتاه‌تر و ارزان‌تر از تحصیلات دانشگاهی هستند. همچنین مشاغل فنی اغلب درآمد اولیه‌ای بالاتری نسبت به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارند. در کشورهای اروپایی میانگین حقوق اولیه در مشاغل فنی حدود ۲۲ یورو در ساعت است. به‌عنوان مثال، میانگین حقوق سالانه برق‌کاران ۶۲ هزار یورو و داکرکاران ساختمانی ۴۶ هزار یورو است. علاوه بر این، با خروج نسل پیشین نیروی کار، فرصت‌های شغلی در این حوزه‌ها افزایش یافته و امنیت شغلی بیشتری نسبت به برخی مشاغل کارمندی فراهم شده است.

تغییر نگرش فرهنگی و اجتماعی

اما تنها مزایای پولی نیست که انها را رقب به حضور در بازار کار کرده است. نسل Z که به «نسل ابزار» نیز معروف شده، به مشاغل عملی و ملموس علاقه بیشتری نشان می‌دهد. این نسل که بسیاری از آنها در دوران همه‌گیری کرونا وارد بازار کار شدند، به‌دنبال مشاغلی هستند که نه‌تنها درآمد خوبی داشته باشند، بلکه حس رضایت و خودکفایی را نیز به آنها بدهند. همچنین، والدین و جامعه به‌تدریج در حال پذیرش این هستند که مسیرهای غیردانشگاهی نیز می‌توانند به موفقیت منجر شوند.

مقاومت در برابر تأثیرات هوش مصنوعی

بسیاری از مشاغل فنی به‌دلیل ماهیت عملی و نیاز به مهارت‌های دستی، در برابر اتوماسیون و هوش مصنوعی مقاوم‌تر هستند. این موضوع باعث شده نسل Z این مشاغل را به‌عنوان گزینه‌هایی پایدارتر در مقایسه با برخی مشاغل کارمندی که ممکن است تحت تأثیر هوش مصنوعی قرار گیرند، در نظر بگیرد.

سهم نسل Z در نیروی کار

در ساعاته اول سال ۲۰۲۴، این نسل حدود ۱۸ درصد از نیروی کار در آمریکا را تشکیل می‌داد اما افراد ۱۸ تا ۲۵ ساله نزدیک به ۲۵ درصد از استخدام‌های جدید در صنایع فنی را به خود اختصاص دادند. از سوی دیگر از سال ۲۰۱۱، حدود دو میلیون دانشجوی کمتر در دانشگاه‌ها ثبت‌نام کردند. بسیاری از کنشگران این کاهش را به افزایش هزینه‌ها و تغییر نگرش نسبت به ارزش مدرک دانشگاهی نسبت می‌دهند، با وجود درآمد مشاغل فنی، میانگین حقوق سالانه فارغ‌التحصیلان دانشگاه در سال ۲۰۲۴ حدود ۸۰هزار دلار بود که همچنان بالاتر از میانگین مشاغل فنی است. با این حال، مشاغل فنی بدون نیاز به بدهی‌های سنگین دانشجویی، جذابیت بیشتری برای بسیاری از جوانان دارند.

چالش‌های هم هست

بسیاری از کارشناسان حوزه اقتصاد هشدار می‌دهند که تعرفه‌های جدید دولت ترامپ بر واردات، مانند تعرفه‌های مربوط به چوب نرم، می‌تواند هزینه‌های ساخت‌وساز را افزایش دهد و تقاضا برای مشاغل ساختمانی را کاهش دهد. این موضوع ممکن است فرصت‌های شغلی در برخی حوزه‌های فنی را محدود کند. همچنین صنعت ساختوساز آمریکا به بیش از ۴۵۰ هزار کارگر جدید نیاز دارد. این کمبود نیروی کار ماهر فرصت‌های زیادی برای نسل Z ایجاد کرده اما تأیمند سرمایه‌گذاری در آموزش و زیرساخت‌های حرفه‌ای است.

نسل Z: حرکت به سوی مهارت

اگرچه پژوهش صورت گرفته روی جوامع غربی بوده اما این رفتار را می‌توان به تمامی متولدین نسل Z تعمیم داد. چرا که همین حال در ایران هم آنهایی که صاحب مهارت فنی هستند فرصت‌های شغلی بیشتر و بهتری نسبت به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارند. همین موضوع هم باعث شده فرار خواندها به اجبار فرزندان‌شان برای ورود به دانشگاه‌ها کمتر باشد. موضوعی که مصداق آن را می‌توان در کاهش ورودی دانشگاه‌ها، افزایش صندلی‌های خالی و البته افزایش تعداد داوطلبانی جست‌وجو کرد که با وجود حضور در کنکور، دست به انتخاب رشته نمی‌زنند. این موضوعی است که نظام آموزشی کشور هم باید به آن دقت کند و اساساً از سوی نرم‌محوری و مدرک‌گرایی به سمت مهارت‌محوری برود. اگرچه هزینه‌های تحصیلی در ایران کمتر از کشورهایی همچون آمریکاست اما زمان تحصیل دانشگاهی تقاوتی با دیگر کشورها ندارد و جوانان ایرانی با وجود صرف هزینه زمانی در پایان دوران تحصیل هیچ آینده شغلی ندارند.

گزارش روز

مذاکرات ادامه خواهد یافت

فشارهای اقتصادی نشانی از تورم و گرانی جامعه آمریکا را تحت تأثیر قرار داده و بر نارضایتی‌های عمومی افزوده است. در چنین شرایطی، ورود به ماجراجویی‌های نظامی در خاورمیانه می‌تواند مسائل سیاسی سنگینی برای دولت او در پی داشته باشد. به همین دلیل، ترامپ درصدد است مسیر سیاست خارجی‌اش را تعدیل کرده و از موقعی که می‌تواند هزینه‌زا باشد، فاصله بگیرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از زمان ملی، کلیه‌های دولت دونالد ترامپ در ابتدا از اوروز، تحت تأثیر جریان‌های فراقلمی ضدغربی و اسلام‌ستیز بودهاند؛ جریان‌هایی که با نفوذ در حلقه‌های تصمیم‌سازی، بارها ترامپ را به اتخاذ سیاست‌هایی تشویق کرده‌اند. از جمله حمله نظامی به ایران، ترغیب کرده‌اند. چهره‌هایی همچون جان بولتون، که به موقع تهاجمی علیه جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شوند، از جمله این افراد بوده یکی از آخرین چهره‌های این جریان، «والتز» مشاور امنیت ملی دولت ترامپ بود که اخیراً کنار گذاشته شده است. ترامپ پیش از این نیز در پایان دور اول ریاست‌جمهوری‌اش، حدود هفت نفر از کلیه‌نخست‌حضور داشتند، به دور دولت خود راه ندادند؛ اما آنکه حمله‌ی‌های بی‌دریغ لابی اسرائیل نقش مهمی در پیروزی مجدد ترامپ ایفا کرد، اما او در تلاش بود تعادلی میان نیروهای افراطی و چهره‌های معتدل‌تر در کابینه برقرار کند. برخی منابع، به راه ناچار به مهره‌هایی نزدیک به لابی اسرائیل واکنار کرد، اما به موازات آن تلاش کرد از تشدید سیاست‌های تنش‌زا بکاهد. تلاشی که حذف تدریجی عناصر تندرو از جمله والتز، بخشی از آن است. در واقع ترامپ، با شناختی که از فضای داخلی آمریکا و افکار عمومی دارد، به این جمع‌بندی رسیده که اگر به مسیر تقابل جویانه می‌تواند موجب کاهش بیش‌تر محبوبیتش شود؛ موضوعی که در شرایط کنونی برای او به دغده‌ای جدی بدل شده است. فشارهای اقتصادی ناشی از تورم و گرانی، جامعه آمریکا را تحت تأثیر قرار داده و بر نارضایتی‌های عمومی افزوده است. در چنین شرایطی، ورود به ماجراجویی‌های نظامی در خاورمیانه می‌تواند تبعات سیاسی سنگینی برای دولت او در پی داشته باشد. به همین دلیل، ترامپ درصدد است مسیر سیاست خارجی‌اش را تعدیل کرده و از موقعی که می‌تواند هزینه‌زا باشد، فاصله بگیرد. از سوی دیگر، برخلاف تصور برخی تحلیل‌گران، کنار رفتن چهره‌هایی مانند والتز، به معنای زمینه‌سازی برای حمله نظامی به ایران نیست. چنین تحلیلی نه تنها با واقعیت سیاسی ایالات متحده سازگار نیست بلکه نشان‌دهنده‌ی سوءبرداشت از ساختار تصمیم‌گیری در آمریکاست. رئیس‌جمهور ایالات متحده به‌تنهایی نمی‌تواند فرمان حمله نظامی صادر کند. چنین تصمیمی نیازمند همراهی و موافقت کنگره است؛ آن هم در شرایطی که اکثریت هر دو مجلس در اختیار جمهوری‌خواهان است. حزبی که برخلاف موافنع افراطی برخی اعضا، در مجموع تمایل چندانی به ورود به جنگی جدید در خاورمیانه ندارد. علاوه بر این، دستگاه قضائی آمریکا نگرشی نظارتی و بازدارنده ایفا می‌کند و در صورت اقدام خارج از چارچوب قانونی، می‌تواند حتی فرآیند استیضاح و سرنگونی دولت را فعال کند. بنابراین، ادعای ادامه‌گرایی برای حمله نظامی به ایران، در سطح تحلیلی، فاقد پشتوانه است. نکته مهم دیگر، تأثیر فشارهای خارجی بر سیاست ایالات متحده است. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، امارات و قطر، به‌دلیل نگرانی از تبعات ناامن شدن منطقه، بشدت با هر گونه درگیری نظامی در منطقه مخالفت می‌کنند. این کشورها پیام‌هایی روشن به واشنگتن ارسال کرده‌اند و خواستار ادامه دیپلماسی شده‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد که مذاکره میان ایران و آمریکا برغم وقفه‌هایی که در نتیجه تحولات اخیر پدید آمده، ادامه خواهد یافت. حتی اثر مسیر مذاکرات کنندر از گذشته پیش برود. تمایل به دستیابی به توافقی جدید در پرونده هسته‌ای ایران، هم از سوی آمریکا و هم از سوی اروپا و کشورهای منطقه، وجود دارد. ایران نیز همچنان بر راه‌حل‌های دیپلماتیک تأکید دارد و طرفین به خوبی می‌دانند که ادامه تنش، تنها به پیچیدتر شدن بحران‌ها خواهد انجامید. حذف عناصر جنگ‌طلب از دولت ترامپ، نشانه‌ای از تمایل به ترجیح مسیر سیاست خارجی این کشور است. هرچند هنوز نمی‌توان با قطعیت از موفقیت در مذاکرات سخن گفت، اما شواهد و علائم نشان می‌دهند که طرفین تلاش خواهند کرد میز مذاکره را ترک نکنند و در نهایت، راه‌حلی برای مسائله چندین‌ساله هسته‌ای بیابند.

علی بیگدلی
کارشناس روابط بین‌الملل

دیدگاه

زندگی یا نمایش زندگی!؟

«باید این کفش نایک مدل لوئیزا را برام بخری میشه ۱۹۰ پوند. باید بخری! شنیدی مامانم! بالید! بخری. ببین اینماش!» موبایلش را جلو چشم مامانش بالا برده بود. فکار می‌خواست موبایل را توی چشمش فرو کند. خانم که حدود ۵۰ ساله به نظر می‌رسید با لرامش و لبخند گفت: «مامان، فری جان گروند! تو لنکار از وضع‌مون خبر نداری!» دختر گفت: «پس غلط کردی زاپیدی. احمق! مرجان مامانش براش کفش نایک مدل لبر - جردن خریده ۲ هزار پوند. حالا تو برای ۱۹۰ پوند جر می‌زنی؟ دَم در آوردی؟»

سوم توی کتاب «۱۱ دقیقه» نوشته پائولو کوئیلو بود. صفحه ۱۲۰ بودم. نوشته بود «هر زندگی کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ زندگی یا نمایش زندگی؟» دیدم نگاه مادر به زندگی است و نگاه دختر به نمایش زندگی در روزگار ما نگاه به نمایش زندگی رواج غریبی پیدا کرده است. تعبیر کوئیلو به ظاهر ساده است؛ اما هر چه بیشتر در بارش بیندیشیم عمیق‌تر و عزتمندتر می‌شود. من حقیقی و من تقلبی، حقیقت زندگی و نمایش زندگی مصنوعی. تظاهر به زندگی. تمام کسانی که گرفتار برند هستند؛ کفش و ساعت و لباس و عطر و ماشین و... تظاهر به زندگی می‌کنند. در جنگ تبلیغاتی امریکا با چین چینی‌ها اعلام کردند شرکت‌های امریکایی برخی برندها را تاحد برابر قیمت می‌فروشند. برای کیف یا کمربندی تا ۱۰ تا ۲۰ دلار به تولیدکننده چینی پرداخت کردهاند بین هزار تا ۲ هزار دلار می‌فروشند؛ یعنی خیلی از برندها که گمان می‌رفت چرم نوع اعلای بی‌هملت، پلاستیکی است؛ نمایش چرم است. منتها کسی که این برندها را با قیمت‌های بسیار گران می‌خرد. گمان می‌کرد با می‌کند بیشتر و بهتر زندگی می‌کند. بسیاری خانواده‌ها نمی‌توانند به کام یا آینده‌ی زندگی در روزگار ما نگاه به نمایش زندگی رواج غریبی پیدا کرده است. تعبیر کوئیلو به ظاهر ساده است؛ اما هر چه بیشتر در بارش بیندیشیم عمیق‌تر و عزتمندتر می‌شود. من حقیقی و من تقلبی، حقیقت زندگی و نمایش زندگی مصنوعی. تظاهر به زندگی. تمام کسانی تحمیلی و نمایشی زندگی جدید هستند که مانند بلایی و سیلابی سنت‌های فرهنگی - اجتماعی مرمی که با سخنی دشنوارهای زندگی را تحمل می‌کنند. بیشترین آسیب به اعتماد عمومی خواهد بود. خوشبختانه برکناری معاون رییس‌جمهور که به سفر لوکس و پرهزینه قطب رفته بود نشانه‌ای بود که دولت مراقب اعتماد عمومی است. در این مراقبت باید از سنت‌های فرهنگی و اجتماعی‌مان به خوبی حفاظت کنیم. باور کنیم که همان سنت‌ها، همان تحمل و مدارا حقیقت زندگی بود و این تظاهر و نمایش زندگی را سطحی و مبتذل کرده و ویران می‌کند.

سید عطاءالله مهاجرانی

اشاره

عجله نداری؟ توقف کن!

با حذف گزینه «عجله دارم» قلیون نلوشه‌تای به نام «توقف دارم» جای آن را گرفته و راننده‌گان تا زمانی که این گزینه تیک نخورد به درخواست مسافر پاسخ نمی‌دهند؛ این موضوع در کنار سیستم قیمت‌گذاری پویا که در ساعات شلوغی قیمت‌ها را به‌طور تصاعدی بالا می‌برد، موجب نارضایتی مسافران از خدمات تاکسی‌های اینترنتی شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، تاکسی‌های اینترنتی در ابتدا به عنوان یک راه‌حل نوین برای مسافر و راننده معرفی شدند اما اکنون با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. مشکلاتی که نه صدای مسافر و هم صدای راننده را درآورده است و اگر این مشکلات حل نشود، ممکن است فاتله فعالیت خود را متوقف سازد. برای بسیاری از راننده‌گان و مسافران این خدمات برای بسیاری از مسافران دیگر مقرون به صرفه نیاشد. نرخ کرایه تاکسی‌های شهری هر سال با تصویب شورای شهر تهران مشخص می‌شود اما تاکسی‌های اینترنتی از سیستم قیمت‌گذاری پویا استفاده‌کنند. این سیستم بر اساس عواملی مانند مسافت، زمان سفر، ترافیک و نسبت عرضه و تقاضا عمل می‌کند. به این معنا که در ساعات شلوغی، قیمت‌ها به طور خودکار افزایش می‌یابند و برای تعطیلات نوروز، محدودهای اسفندماه، سخنگوی سازمان تعزیرات، از شرکت‌های تاکسی اینترنتی خواست تجویز «عجله دارم» را از نرم‌افزارهای خود حذف کنند. اولین گزینه را مصداقی از گران‌فروشی تلقی کرد. این تصمیم واکنش‌های متعددی را در میان راننده‌گان و مسافران برانگیخت. با حذف این گزینه، حالا اعتراضات جدیدی درباره شرایط نابسامان کار به گوش می‌رسد که از میزان کمیسیون‌ها و هزینه‌های سنگین خودروها شکایت دارند.

حذف «عجله دارم» و ظهور قانون تاتونشه «توقف دارم»

پس از حذف گزینه «عجله دارم»، برخی راننده‌گان به استفاده از قلیون نلوشه‌تای روی آورده‌اند. اثر مسافر بخواهد سفر زودتر پذیرفته شود، باید گزینه «توقف دارم» را فعال کند. این کار در عمل هزینه‌ی بیشتری به مسافر تحمیل می‌کند و راننده‌گان را ترغیب می‌کند سفر را به تعویق بیندازند. این موضوع نشان‌دهنده تزلزل‌هایی عمیق راننده‌گان از نرخ کمیسیون‌های دریافتی است.

راننده‌گان تاکسی‌های اینترنتی در توجیه قبول مسافر در برابر فعال کردن «توقف دارم» می‌گویند با مشکلات متعددی دست‌به‌گریبان هستند که شامل موارد زیر می‌شود:

- کمیسیون بالای شرکت‌ها: شرکت‌های تاکسی اینترنتی حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد درآمد هر سفر را به عنوان کمیسیون کسر می‌کنند اما اصول اصلی این است: اما این شرکت‌ها در ازای دریافت این مبالغ، خدمات واقعی و موثری به راننده‌گان ارائه می‌دهند؟
- هزینه‌های سنگین خودروها: راننده‌گان باید هزینه‌های ماهانه بالایی برای بنزین، تعمیرات، تعویض لاستیک‌ها، روغن موتور و بیمه خودرو بپردازند. به گفته «طبرسین»، یکی از راننده‌گان، حتی برای خودروهای قدیمی مانند پراید، هزینه‌های ماهانه به‌دلیل میلیون تومان می‌رسد.
- عدم برخورداری از بیمه مناسب: اکثر راننده‌گان از نبود بیمه‌های پشتیبانی‌کننده برای حوادث و تصادفات شکایت دارند. این موضوع ریسک کار را برای آنها دوچندان می‌کند.
- استهلاک بالای خودروها: کار کردن طولانی‌مدت با تاکسی اینترنتی عمر خودروها را کاهش می‌دهد و هزینه‌های تعمیرات و نگه‌داری را افزایش می‌دهد.
- فاصله میان ادعاهای شرکت‌ها و واقعیت: برخی شرکت‌ها ادعایی مانند «آسایش راننده‌گان» را ارائه می‌دهند که شامل تخفیف‌های دوره‌ای برای تعمیرات و خرید پوشاک است اما راننده‌گان معتقدند این خدمات یا غیرقابل دسترس است یا معادل قیمت بازار آزاد است و هیچ مزیت ویژه‌ای ندارد.

صدای اعتراض راننده‌گان!

محمد، یک راننده، چهار سال که ۳ سال است با این شرکت‌ها کار می‌کند و هر روز برای کنترل زندگی خود و خانواده‌اش به این کار مشغول است به «وطن امروز» می‌گوید: «خدمتگی که ادعا می‌شود ارائه شده به اندازه‌ی پیچیده است که در این ۳ سال هنوز نتوانسته‌ام از آنها استفاده کنم. حتی یک‌بار که تخفیف خورده‌ام دریافت نکرده‌ام!» امیر حسین نیز که سابقه کار دارد، می‌گوید: «اگر خوش‌شانس باشم، ساعتی ۸۵ هزار تومان درآمد دارم اما این مبلغ قبل از کسر هزینه‌های بنزین، استهلاک خودرو و سایر مخارج است. در بهترین حالت، هر باک بنزین درآمد خالص بیش از یک میلیون تومان دارد.»

راننده‌گان تاکسی‌های اینترنتی و سایر سفیران که خودرو یا موتور خود را به عنوان سرمایه‌های چندصد تا ۱۰۰ میلیونی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، سالانه‌ی دارند که هنوز پاسخی برای آنها وجود ندارد. کمیسیون‌ها بر چه اساسی تعیین شده‌اند؟ آیا شرکت‌ها در ازای این مبالغ وظیفه‌ای نسبت به ارائه خدمات واقعی به راننده‌گان دارند؟ آیا کسر کردن یک‌پنجم درآمد راننده‌گان عادلانه است؟ طرف دیگر ۳ ضلع پلتفرم‌ها و راننده‌گان، مردم هستند. این روزها در حالی که شهروندان تهرانی از افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل در روزهای پس از تعطیلات نوروز شکایت دارند، بحث افزایش قیمت سفرهای تاکسی اینترنتی نیز به یکی از موضوعات داغ شهری تبدیل شده است.

برخی مسافران معتقدند تاکسی‌های اینترنتی پیش از اجرای نرخ‌های جدید تاکسی‌های شهری، قیمت‌ها را افزایش داده‌اند اما مدیران این پلتفرم‌ها این ادعا را رد می‌کنند و آن را ناشی از الگوریتم‌های هوشمند و شرایط بازار می‌دانند.

انتقاد از سیستم قیمت‌گذاری پویای پلتفرم‌ها

سیدجعفر تشکری هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران نیز در این باره اظهار داشته است: «نورودهای شخصی فعال در پلتفرم‌های اینترنتی، تعدادها در نوع فعالیت، بلکه در نرخ‌گذاری نیز هیچ مجوز قانونی از شهرداری تهران ندارند؛ این اظهارات نشان‌دهنده نبود نظارت موثر بر نحوه تعیین قیمت در این پلتفرم‌هاست.

پاسخ پلتفرم‌ها به انتقادات

نگار عرب، معاون ارتباطات پلتفرم تپسی در پاسخ به این موضوع به «وطن امروز» گفت: «قیمت‌گذاری در تاکسی‌های اینترنتی به صورت دستی انجام نمی‌شود و بر اساس الگوریتم‌های هوشمند و پویا تعیین می‌شود. هدف از این سیستم، تعادل بین عرضه و تقاضا و ارائه قیمتی است که برای هر ۲ طرف، یعنی راننده و مسافر مناسب باشد.» وی افزود: «در ساعاتی که تقاضا کمتر است، قیمت‌ها از حالت عادی پایین‌تر می‌آید و مسافران می‌توانند از خدمات اوراق در استفاده کنند اما در ساعات شلوغی، به دلیل افزایش تقاضا و کمبود راننده‌گان، قیمت‌ها افزایش می‌یابد.»

چشم‌انداز مسافران و راننده‌گان

از دیدگاه مسافران، افزایش قیمت‌ها بویژه در ساعات اوج ترافیک، بار مالی سنگینی بر آنها تحمیل می‌کند اما از سوی دیگر، راننده‌گان نیز با مشکلاتی مانند کمیسیون‌های سنگین، پلتفرم‌ها، هزینه‌های نگهداری خودرو و قیمت بنزین دست‌به‌گریبان هستند که باعث شده است تعادل بین منافع ۲ طرف به چالش کشیده شود. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های تاکسی‌های اینترنتی، نحوه تعیین قیمت‌هاست. در شرایطی که هر ۲ طرف (راننده و مسافر) باید راضی باشند، پیدا کردن نقطه تعادل دشوار است. افزایش قیمت‌ها در ساعات شلوغی و شرایط نامساعد جوی باعث شده است برخی مسافران از این خدمات فاصله بگیرند.به گزارش «وطن امروز» تاکسی‌های اینترنتی به دلیل راحتی و سرعت بالا، جایگاه ویژه‌ای در حمل‌ونقل شهری پیدا کرده‌اند اما افزایش قیمت‌ها و نبود نظارت قانونی بر نحوه تعیین آن، باعث شده است محبوبیت این خدمات تحت تأثیر قرار گیرد. برای حل این مشکل، نیاز به هماهنگی بیشتر بین پلتفرم‌ها، شورای شهر و مراجع نظارتی است تا نرخ‌ها به گونه‌ای تعیین شوند که هم مسافران و هم راننده‌گان را راضی نگه دارند.

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۳۳	۰۵:۰۸	۱۲:۰۲	۱۸:۵۷	۱۹:۱۶

طنز

می کشد دلمی بی صید
مگس چون عنکبوت
شاهبازی کو که از هم
بردرد این دام را

جلی

برگ

بسیاری از ناکامی‌های زندگی کسانی هستند که در هنگام تسلیم‌شدن، متوجه نشدند که چقدر به موفقیت نزدیک بودند...

توماس ادیسون

سرطان، سومین عامل مرگ ایرانیان

داده‌های وزارت بهداشت نشان می‌دهد سرطان بعد از بیماری‌های قلبی - عروقی و سکته مغزی سومین عامل مرگ‌ومیر ایرانیان است

شناسایی سالانه ۱۷۳ مورد در ۱۰۰,۰۰۰ نفر

مرگ سالانه ۸۷,۰۰۰ نفر

شایع‌ترین سرطان‌ها در ایران (زن و مرد)

پستان | پروستات | کولورکتال | پوست (غیرملانوما) | معده

شایع‌ترین سرطان در کودکان زیر پنج‌سال

لوسمی | مغز و سیستم عصبی

مهم‌ترین سرطان‌های منجر به مرگ (درسال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۳)

• جمعیت زنان: پستان و معده
• جمعیت مردان: معده، ریه و پروستات

ISNA

مکث

روی جنازه و مصیبت مردم لایک جمع نکنید!

در فاجعه رخ داده در بندرعباس در روزهای اخیر مکرراً بلاگرهای مختلف با تحلیل‌های عجیب و اخبار عجیب‌تر از تحلیل‌ها سعی می‌کردند تا از درد و گردنه این حادثه به نفع خود عقب نمانند. عنوان کلی موضوع همدردی و مطالبه گری برای رسیدگی به موضوع بود اما برای همه به روشنی قابل درک است که مساله اصلی رشد تعداد فالورها و لایک‌ها و کامنت‌های حساب‌های کاربری است که درآمدهای میلیاردی دارد و دقیقاً نیز از احساسات مردم تغذیه می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از رویداد ۲۴، لطفا موقعیتی که توصیف می‌شود را در ذهن خود تصور کنید: در میان یک آتش سوزی بزرگ، در شرایطی که زمین و زمان در حرارت ناشی از انفجار در حال سوختن است، مردمی که در فاصله و شهر نگران گم شدن عزیزانشان هستند و در وضعیتی که مهمترین بندر تجاری کشور دچار اضطرار شده است، زنان و مردان جوئی دوربین به دست در حال صحبت‌های بی سر و ته از وضعیت حادثه و خودمانی هستند. این توصیف، تصویر دقیق بلاگرهایی است که در هر حادثه و رخدادی بعضاً زودتر از نیروهای امدادی و مدیریتی در محل حادثه حضور دارند. سرعتی ناشی از تب گرفتن ویو و کلیک و لایک، ناشی از تب گرفتن فالو حتی به قیمت اخلال در وضعیت مدیریت یک فاجعه با ارائه اطلاعات نادرست و تنش زا.

بلاگرها در سال‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی به نوعی رسانه‌های غیرحرفه‌ای تبدیل شدند، نقشی که در بروز و ظهور آن هم خودشان مقصر بودند، و هم از مطالبه شدید افکار عمومی در دریافت اطلاعات و جزئیاتی که در رسانه‌های رسمی منتشر نمی‌شد، ناشی می‌شد. عنوان کلی «مسئولیت اجتماعی در فضای مجازی» هم توجیهی برای این رفتارها شد.

در فاجعه رخ داده در بندرعباس در روزهای اخیر مکرراً بلاگرهای مختلف با تحلیل‌های عجیب و اخبار عجیب‌تر از تحلیل‌ها سعی می‌کردند تا از درد و گردنه این حادثه به نفع خود عقب نمانند. عنوان کلی موضوع همدردی و مطالبه گری برای رسیدگی به موضوع بود، اما برای همه به روشنی قابل درک است که مساله اصلی رشد تعداد فالورها و لایک‌ها و کامنت‌های حساب‌های کاربری است که درآمدهای میلیاردی دارد و دقیقاً نیز از احساسات مردم تغذیه می‌شود.

تنها در یک نمونه این موضوع حضور شهروند و منصوریان در این میان با لباس مخصوص اندارسانی چه پیامی دارد؟ آیا او تخصصی در زمینه اندارسانی دارد؟ قطعا خیر. آیا فرد مسئولی است که گزارش نظارتی لش بتواند قدمی از قدم در رفع مشکل یا جلوگیری از تکرار آن داشته باشد؟ باز هم خیر.

حضور شهروند و منصوریان، بلاگر حوزه ورزشی در بندر عباس در شرایطی اطفاء حریق و وضعیت پیچیده بعد از حادثه در این بندر یک نماد است، نماد وضعیتی که البته از نکات مختلفی نشات میگیرد و در فرد سیر تاریخی شکل گرفته است.

یک دهه پیش از این وقتی هنوز بازار بلاگری تا این اندازه داغ نشده بود این سلبریتی‌ها بودند که در میان رخدادهایی از قبیل زلزله و سیل و سولح غیرطبیعی با اعلام حضور در جهت جمع آوری کمک و ایجاد همدلی برای حمایت از مردمی که زیان دیده و عزادار بودند، اقدام می‌کردند. سلبریتی‌ها هم از نظر خاستگاه اجتماعی از بلاگرها متفاوت بودند و هم مساله اصلی آن‌ها نوعی امداد رسانی بود، به این معنی که به طور مثال در یک زلزله این فلان هنرپیشه یا همایی فوتبالیست نبود که از موضوع برای خود کسب اعتبار می‌کرد بلکه دقیقاً در نقطه مقابل از اعتبار خود برای روشن کردن قلبی هر چند کوچه استفاده می‌شد.

حالا، اما صورت مساله کاملاً تفاوت کرده است و در عمل از فاجعه‌ای شبیه آن چه در بندر شهید رجایی رخ داده است، بستری برای کسب اعتبار استفاده شده است. نکته مهم دیگر و تفاوت این رخداد و عجیب بودن حضور بلاگری همچون منصوریان در آن این است که به طور مثال در یک زلزله سلبریتی‌ها و حتی بلاگرها با جمع آوری کمک‌های مورد نیاز در روزهای اولیه زلزله از قبیل لباس و پتو و آب آشامیدنی، نقش آفرینی می‌کردند. وقتی آتش تفجار در بندر شهید رجایی هنوز روشن بود و بدن‌های سوخته در بیمارستان بستری و حال دست و پنجه نرم کردن با مرگ، حضور یک بلاگر چگونه قرار است کمکی مردمی باشد؟!

در لابه پنهان چنین رخدادی جای خالی نقش آفرینی رسانه‌های رسمی دیده می‌شود. رسانه‌هایی که عموما اجازه انتشار دقیق‌تر و با جزئیات بیشتر اخبار را پیدا نمیکنند. رسانه‌هایی که برای عبور از گیت‌های واقعی یا اقتصادی برای حضور در محل حادثه از بلاگرها عقب می‌مانند. در این شرایط و در این ضعف اطلاع رسانی منبع خبری یا رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور می‌شوند یا بلاگرهایی با گوشی‌های موبایل شان.

قسمت دیگر ماجرا اما خلاء اخلاق مداری در فعالیتی ذیل عنوان بلاگری است، فضای شبکه‌های اجتماعی دنیایی، سیاره متفاوت از عالم و زندگی حقیقی است. شوآف کردن در شبک زندگی در شبکه‌های اجتماعی بخش جدایی ناپذیر است، اما شوآف در محلی مملو از دود و آتش و مردمی عزادار مملو از هر چیزی باشد از «مسئولیت اجتماعی» خالی است.